نوروز

هذا الیوم فی الایام کسیدنا فی الانام

(الاعجاز و الایجاز للثعالبی)

نوروز درآمد ای منوچهری ✿ با لالهٔ لعل و با گل حمری

مرغان زبان گرفته یکسر باز ✿ بگشاد زبان رومی و عبری

یک مرغ سرود پارسی گوید ✿ یک مرغ سرود ماورا نهری

(منوچهری)

اول فروردینماه جلالی ۸۴۴
۲۱ رجب ۱۳۴۰ هجری

تبریز

جشن نوروز



بزرگان ملل پیشین جهت رفع خستگی از مشاغل روحانی و جسمانی و رفع احتیاج فقرا و محتاجین مبادی ایامی را که در آنروز ها تبدل و انقلابی در حوادث جویه و یا در وقایع سیاسیه پدید آمده و یا اصلاحات بزرگی در دین و مذهب و یا احوال اجتماعیه واقع شده‌است عید و جشن گرفته و آنروز ها را در تقویم و تواریخ ثبت و ضبط کرده اند و هریك از آن روز ها را مبارك و میمون شمرده مراسم و دستوری مناسب هر جشنی وضع نموده‌اند که علی‌المعمول هر کسی بفراخور حال خود زیب و زینت نموده بتفرج و تفریح رفته و در محافل و مجالس بسور و سرور می پرداخته اند که اکنون نیز متمدنین عصر حاضر از این عادت عظمی بهره و نصیبی دارند و آنها را یکی از فرایض اجتماعیهٔ بشر می دانند

ایرانیان قدیم نیز جشنهای زیادی داشته اند که تا استیلای مغول معمول و مرسوم بوده و پس از آن اغلب آنها متروك شده است مانند **نوروز ومهرگان** که در دو نقطهٔ اعتدالین ربیع و خریف واقع گشته ومعروفترین جشن‌ها است یکی از آنها برقرار و دیگری از میان رفته‌است

نوروز و مهرگان دو عید بزرگی هستند توأم و جفت چنانکه در خلقت عالم علوی مهر و ماه بمنزلهٔ دو چشم فلك محسوب میشوند **نوروز و مهرگان** نیز در عالم سفلی بجای دو دیدهٔ زمانه و وقت واقع شده اند و بقول سلمان پارسی شرافت این دو روز نسبت به ایام دیگر مانند تفرد یاقوت و زبرجد است در میان سایر جواهرات (۱)

---

(۱) الآثار الباقیه عن القرون الخالیه لابی ریحان بیرونی

جاحظ معروف گفته عمر نوروز دوهزار وپنجاه سال بیشتر ازمهرگان بوده و کهن سالتر ازاوست . (۲) بجهت انکه نوروز قبل ازطوفان نوح درعهد سلطنت جم وضع شده وان عبارت ازروزی بوده است که شروع بپر کردن مجل کودی درحوالی اصفهان کرده‌اند که‌هر کسی‌بدانجا پرت شده ومیافتاده است خلاص شدن وبیرون آمدن وی امکان نداشته‌است ولی مهرکان دردورهٔ فریدون مرسوم شده وآن روزی بوده است که ضحاك را در کوه دماوند مقید ومحبوس نموده‌اند . (۳)

برحسب نگارش تواریخ معتبره ایرانیهای پیش ازدورهٔ کیان بدین صابئه پیروی بوده واعتقادی بستاره ونجوم رسانیده بوده‌اند ولذا بنام اغلب سیارات سبعه مانند مهروماه وناهید وغیره جشنهائی ترتیب داده وآن ایام را معزز ومحترم میداشته‌اند . واوایل شهور قمری ونقاط اعتدالین ربیع وخریف ومبادی انقلابین صیفی وشتوی ووقوع کسوف و خسوف و ظهور کواکب دنباله دار ودرجه شرف سیارات‌سبعه وبالجمله‌حوادث عمدهٔ نجومی را که جالب توجه عموم ومنظور نظر مردم بوده است عید میگرفته‌اند . چنانکه اردشیر دوم (۳۶۱-۴۰۴ قبل ازمیلاد) درکتیبه‌های سوز غیراز اهورا مزدا اسامی اناهیدا ومیترا را نیز متذکر شده واستمدادی ازآنها خواسته است * وشاید ازاین ملاحظات ناشی شده است که بعضی نوروزرا یکی ازمآثر طهمورث شمرده و گفته‌اند که نوروز عبارت ازروزی است که دین صابئه درانروز اساس گرفته وآئین جمشید هم درانروز قوام گرفته و از آن ببعد عیدی شده است .

ابوریحان بیرونی درکتاب التفهیم نوشته که « نوروز نخستین روزی‌است از فرودینماه بدین جهت روز نو نام کردندی زیرا که پیشانی سال نوبست انچه‌از پس‌اویست پنج‌روزهمه

(۲) المحاسن والاضداد لجاحظ‌البصری

(۳) ربیع‌الابرار ونصوص الاخبار للزمخشری

جشنهایست وششم‌روزفرودینماه نوروز بزرك زیرا که خسروان بدان‌روز حقهای حشم و کروهان بکذاردندی وحاجتها روا کردندی انکاه بدان روز ششم خلوت کردندی خاصکانرا و اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین‌آنست که اول روزی است که اززمانه ای بدوفلك آغازید کشتن » .

ثعالبی درغرر اخبار آورده که **نوروز** عبارت از انروزی است که دیو وشیاطین کردونهٔ سواری جمشید را ازقلهٔ کوه دماوند حرکت داده بشهر بابل برده‌اند . فردوسی طوسی نیز حکایتی راجع بهوا پیمائی جمشید وتخت نشستن وی بنظم کشیده ودرختام آن کفته است .

سر سال نو هرمز فرودین　　　برآسود از رنج تن دل ز کین
به **نوروز** نوشاه کیتی فروز　　　برآن تخت بنشست فیروز روز
بزرکان بشادی بیارا ستند　　　می ورودرا مشکران خواستند
چنین جشن فرخ از انروزکار　　　بمانده از آن خسروان یادکار

جمشید یکی ازرجال باستانی آریائی است که در کتاب اوستای ایران بنام بیما ودر مجموعه ودای هندوان باسم یاما ذکر شده وداستانهای وی درهند و ایران شبیه بهم باقی مانده وآئین نوروز هم که قدیمترین عادات نژاد آریائی‌است هنوز درهردو مملکت‌مذکوره که‌بمنزلهٔ‌ساقهٔ‌تنومند شجرهٔ جنس آریاهستند بیك نحو محفوظ وبرقرار مانده‌است .

هندوها درسر سال نو عیدی دارند موسوم به‌هولی که مسلمانان هندنیز درآن‌شرکت مینمایند و علی‌المعمول لباسهای فاخر می‌پوشند برنك سرخ وزرد وزینت وآرایش مینمایند و در باغها وخانه‌ها دورهم جمع شده خنیاکر و رامشکر آرند و تایکماه تمام بدین منوال بعیش ونوش می‌پردازند ویکمرد زشت پیکر مقلدی هولی نام نیز دراین ایام در کوچه

وبازار گردیده به‌عابر ورهگذر دشنامها میدهد و باالفاظ قبیحه باتمام مردم صحبت میکند . اهل‌هند نیزدرموقع گردش مسحوق عبیروجلل بیکدیگر می‌پاشند که دو گردی هستند برنك زرد وسرخ که انرا باآب ممزوج کرده بواسطه التی که برای اینکار دارند بهر کسیکه برخورند برسر وروی او ریزند وهمه را آلوده میسازند ودرآخر عیدشان آتش افروزی مینمایند . (۱)

اینهمه تفصیلات مذکوره درفوق درمملکت ایران نیز مرسوم بوده وبرخی ازآنهاهنوز درجاهای دورتر ازمرکز حکومت باقی مانده‌است . مرد مقلد نیز همان کوسهٔ مضحکی است که‌چند روز قبل‌ازاین واقعه بعضی‌طعامهای حاره مانند سیروکردو میخورد و مشروبات گرم می‌نوشید وبرخی ادویهٔ مضره بربدن مالش میداد و برالاغی نشسته کلاغی در دست میگرفت وبادبزنی‌دردست دیگر گرفته باد می‌زد وباصدای بلند گرم گرم گویان زمستان‌را الوداع میگفت . ولی مردم اورا مسخره نموده و آب می باشیدند وبرف ویخ بروی می‌زدند وبااین حال گدائی ازمردم بازار بولی گرفته ومیگذشت . هر کسی که بوی چیزی نداده وتعلل می‌ورزید گل‌سرخی‌را که‌همراه خود داشت بلباسهای وی ریخته‌لکه دار می‌نمود وازبامداد بگاه تانیمروز انچه ازمردم میگرفت جزو مالیات شهری ود وازظهر تا نماز عصر بخود او تعلق داشت وازآن ببعدهرجائی که بنظر میامد ومیدیدندش گرفته کتك وسیلی زیادی برسر وروی وی میزدند . وانروز بنام کوسه برنشسته‌معروف‌بوده است(۲)و بنا بروایت ابی‌ریحان بیرونی‌دردوره کیان‌باسم ابسال وهاراشتهارداشته چنانکه ابونواس گفته‌است. (۳)

لوقته الکرار والنو کروز الکبار
وجشن کاهنبار و ابسال الوهار

---

(۱) تحفة‌العالم‌تالیف‌عبداللطیف‌شوشتری(۲) کتاب‌التفهیم پارسی تالیف ابی‌ریحان بیرونی خطی
(۳) دیوان ابی نواس خطی

جشن نوروز بعد از استیلای عرب در مرکز خلافت شعشعهٔ فوق العاده داشته و تا شام و مصر و جزایر و اندلس نیز پیشرفته و مراسم آن در آن ممالك بیشتر از ایران معمول شده است. چنانکه در تاریخ طبری مذکور است که در سنه ۲۸۲ المعتضد الله مراسم آب ریختن و آتش افروختن را غدغن کرد و در نوروز سال ۲۸٤ دوباره باجرای آن اجازه داد و به درجهٔ آن شب و روز آتش بازی و آبپاشی کسب شدت نمود که اجزای حکومت و شرطهٔ شهر نیز از اینواقعه بی بهره نمانده و از آب خیسیده و مرطوب شدند

احمد مقریزی در کتاب المواعظ و الاعتبار تفصیلی از نوروز مصر و مراسم آن نوشته و در تاریخ ۳۶۳ گفته است که المعز لدین‌الله عمل آتش و آب را منع کرد و درضمن تاریخ ۵۹۲ه نوشته که دوباره اجازه باجرای آن داده شد و در هفتصد و هشتاد بکلی برداشته شد.

بعقیدهٔ ایرانیها آتش افروزی آن شب بجهت تطهیر عفونتهائی بوده است که از فصل زمستان در هوا باقی مانده و آب ریختن روز هم برای ازالهٔ کثفتهائی است که از آتش بازی شب بروی البسه و اشیأ می‌نشیند (۴)

درعهد سلاطین کیان عید نوروز بنام بهار جشن معروف وعلی‌العاده یوم مذکور اولین روزی بوده است که خرسابخره یا روباههای پردار در آنروز بیرون میآورده‌اند که درعهد کیان وجود داشته و با انقراض آنها از میان رفته‌اند. چنانکه اسدی طوسی در گرشاسب نامه آورده: ❁ یکی پشتهٔ خوش چراگاه بود ＊ همه پشته پرنده روباه بود ❁

آذری در غرائب‌الدنیا گفته :

در پلور از حدود هندستان   هست چون مرغ روبه پران

می‌برد ازدرخت او بدرخت   میوه‌ها میخورد به‌برش سخت

نظر بروایت ابی‌ریحان بیرونی از قول ابی‌القاسم علی بن احمدالطاهری در سنه ۳۷۹ حاکم اسپنجاب بجهت نوح بن منصور سامانی اسبی و روباهی فرستاده بوده است که اوّلی دو شاخ و

(۴) صبح‌الاعشی لابی‌العباس القلقشندی

دویمی دو بال پری داشته است که هنگام نزدیك رفتن بالهای خود را میگشوده و در صورت دور شدن ببدنش می چسبانیده است خلاصهٔ کلام در صبحگاه نوروز قبل از میل غذا روباهی و خر کرهٔ با هدهد و جوجه علی‌الرسم بحضور سلاطین ایران می آورده اند شاید بهمین لحاظ فوق باشد که هنوز عامهٔ مردم دیدن روباه را در جشن نوروز مبارك و میمون میشمارند

در قدیم‌الایام مراسم معمولهٔ عید چنان بوده است که ۲۵ روز قبل از عید نوروز دوازده تا استوانهٔ گلی در قصر سلطنتی ترتیب داده حبوبات دوازده گانهٔ گندم و جو و برنج و مرجمك و باقلا و ارزن و ذرة و لوبیا و نخود و ماش و کنجد و کافشه را در سطح خارجی آنها می رویانیدند که تا شب عید سبز و خرم میگردید و آنهمه را تا شب ششم عید دست نزده و نگاه میداشتند و با نغمه و سرود از روی آنها چیده باطراف خانه میپاشیدند و تا روز مهر که شانزدهم عید باشد استوانه هارا نمی شکسته اند (۱)

در دربار سلطنت ایران عادت بر آن جاری بوده که روز عید جوانی صبیح‌الوجه وفصیح اللسان که از شب عید دم در منتظر وقت میشد علی‌الطلیعه بدون تحصیل اجازهٔ حضور سر زده بقصر سلطنتی وارد شده جلو چشم پادشاه میایستاد وشاه از وی میپرسید چه کسی واز کجا آمدهٔ نام تو چیست و چه آوردهٔ آنجوان بعرض عالی میرساند فرستادهٔ خدا هستم **خجسته** نام من‌است از جانب خدا آمده بشارت سال نو آورده‌ام واعلیحضرت شهریار را بمبارکی و میمنت تهنیت میگویم پس از اظهار این کلمات بدو زانو مینشست . جوان دیگری پشت سر وی با خوانچه سیمین وارد اطاق شده و آنرا بزمین مینهاد و پس از آن جوانی دیگر خوانچه پر از تحف و هدایا بحضور میاورد

محتویات خوانچهٔ اول عبارت بود از سله‌های پر از قرصهای نان که از انواع حبوبات

(۱) المحاسن والاضداد للجاحظ البصری المتوفی فی سنه ۲۵۵ هجری

گندم ، جو ، ارزن ، ذرت ، نخود ، عدس ، برنج ، کنجد ، باقلا ، لوبیا پخته شده

هفت دانه از هریك از انواع حبوبات مذکوره در پهلوی هر یك از سله ها

شیرینی های سفید هفت رقم .

سکه های سال نو از درهم و دینار قدری.

هفت شاخهٔ کره داری از درختهای زیتون و بید و انار و به ، دروسط همان خوانچهٔاول مینهاده اند که هریك از آنها برای شکون سال نو بنام شهری از بلاد مملکت وضع شده و کلمات (ابزود ، ابزاید ، ابزونی ، برواره ، فرخی، فرهی) (۱) برتنهٔ هریك از آنها نوشته شده است

یکدسته گیاه نیمه‌خشکی از اسپند نیز پهلوی آنها در وسط میگذاشتند.

نخستین چیزیکه روز نوروز بجهة خوردن سلاطین به پیشگاه آنان میاوردند عبارت از سینی طلائی بوده است مشتمل برجوز هندی مقشر باشکر سفید و شیری منقوع با خرمای تازه که بواسطهٔ پیاله های زرین از آنها میل نموده پس از آن بحاضرین مجلس میداده‌اند و علی‌الصباح خوردن به و ترنج و آشامیدن عسل و آب نیز از مراسم معموله عید بوده است .

از مراسم عمدهٔ عید نوروز یکی تحف و هدایای بوده که علی‌المعمول بحضور سلاطین ایران پیشکش مینمودند . حتی مرزبانان حدود و ساترابهای (فرمانفرما) ایالات نیز دستور معینی در اینخصوص داشته اند . چنانکه ساترابهای ارامنـه هر ساله دو مرتبه در نوروز و مهرکان ده هزار اسب بشاهنشاهان ایران تقدیم می‌نموده‌اند . اردشیر و انوشیروان تحف و هدایای نوروز و مهرکان را بتمام هدایای وارده مقدم می‌داشته‌اند .

حجاج بن یوسف اول کسی است کـه در دورهٔ اسلام تحف و هدایا را مرسوم

(۱) افزود افزاید افزونی توشه خوشروئی شوکت

کرد. عمربن‌عبدالعزیز آنقاعده را لغو و منع نمود . در دورهٔ سفاح نیز دوباره مرسوم گشت .

یکی از شعرای دورهٔ سفاح اشعار ذیل را بخالد ابن برمك در جشن نوروز اتحاف کرده بود تمام هدایای موجودهٔ مجلس را که بمبلغ هنگفتی بالغ میشده است صله و جائزه گرفته است (۵)

لیت شعری آتانا منك خط — یاهدایا الوزیر فی النوروز

ااعلی خالدبن برمك فی الجو — دنوال ینیله بعزیز

لیت لی جام فضته من هدایا — ه سوی مابه الامیر مجیزی

انما ابتغیه للعسل الممزوج بالماء — لاابول العجوز

ازدورهٔ اردشیر بابکان تاآخر یزدگرد قرار سلاطین ایران چنان بوده‌است که‌بدون ملاحظه طبقات عامه مردم‌را درجشنهای نوروز ومهرگان بار عام داده وچند روزی قبل از عید از طرف سلطان‌جارچی کشیده‌اند که فلان روز رسم‌القبول‌است ویکی ازموبدان امین نیز دم در میگذاردند که کسی از ورود مردم مانع نشود .

عبداله ابن المقفع روایتی از حکمای ایران نقل میکند که سلاطین قدیم ایران نوروز را جاسهٔ عمومی قرار داده نقود بسیار و خلعتهای بیشمار بجهت انعام و احسان در آن مجلس گذارده ومیزهای طعام وشراب برای اطعام واردین ترتیب میدادند . خودشاه بالباس مخصوصی که داشته بسریر سلطنت می‌نشست و تاج بسر مینهاد و رو بمردم کرده پس ازسپاسگذاری خدا خطاب‌می‌نمود. ای مردم امروز روز نوی است از سال جدید ودر آن محتاج بتجدد حالی هستیم که زمان حاضر آنرا فرسوده و پژمرده ساخته است . . . . کله انسان اشرف اعضای او تندرستی و علت آن موجب صحت و سقم سایر عضوها است

(۵) الآداب السلطانیه لابن‌الطقطقی

و رؤسای مملکت بجای سر و سلاطین عصر بمنزلهٔ دو دیدهٔ آن واقع شده‌اند که نماینده ورهنمای تمام بدن هستند پس سزاوارترین اشخاص در میان شما من هستم . . . . . . بعداز پادشاه دبیر بدباو (وزیرمالیه) برخواسته شرحی راجع بمالیهٔ مملکت و کثرت وصول آن درصورت بسط عدل ورفع جور وقلت عائدات ان در مواقع ضیق وظلم اظهار میکرد سپس موبد موبدان که رئیس روحانی بود سرپا می‌ایستاد شمهٔ ازمنافع عدل وانصاف ومضرت جور واعتساف سخن رانده ومیکفت . امور مردم مانند آسیاب وعدالت بمنزلهٔ قطب اوست چنانکه آسیاب بدون قطب حرکت نمیکنند مملکت بدون عدل نیز محو میشود بشت سر او رئیس الوزرا بلند شده پس ازسپاسکذاری شهریار وستایش نوروز فهرستی راجع باحتیاجات مملکت و لوازم اداره کردن ان تقریر کرده ومی‌نشست وبالاخره وزیر جنك بمحل خطابه میرفت وفصل مشبعی مشتمل برتشکیلات سپاهداری وقدرت قوت جنکاوران اظهار می‌نمود و مجلس را باکلمات ذیل خاتمه میداد

شجاعت وبسالت باکثرت غم وغصه سازش ندارند وپیوسته فتح وظفر ازفرح وسرور تولید میشوند .... (۱)

بعداز نطق وزراء بتوزیع و تقسیم خلعت و احسان برداخته وهرکسیرابفراخور حال جایزه و خلعت میدادند .

عمروابن جاحظ در کتاب اخلاق الملوك آورده که یکی از خصائص اردشیر و بهرام و انوشیروان آن بود که در اعیاد نوروز و مهرکان آنچه از البسهٔ زمستانی در تابستان و رختهای تابستانی در زمستان جمع شده بود همه را حکم میدادند بیرون ریخته بطبقات مردم توزیع میکردند در دورهٔ اسلام عبداه ابن طاهر در اینخصوص تخصص داشته فرقهٔ فقراء ومساکین را بیشتر از اسلاف خود رعایت می‌نموده اند . وحتی یك لباس هم برای

---

(۱) رساله لعبدالله ابن المقفع خطی

خود باقی نمی گذاشته است پس از توزیع خلعت بسر میز طعام رفته بخوردن غذا مشغول میشدند و خطبا و شعرا نیز بمدح وثنا می پرداختند از جمله مداحان که اسمی از او باقی مانده باربد مروی است که در اوایل ربیع بهاریه ساخته و ترانه وتصنیف بقالب سرود میریخت مدایح خسرو را بنغمه والحانی میسروده وآوازهای خسروانی و ماذرستانی را بابربط و چنك می نواخته است (۱)

مراسم دولتی ایران کنونی نسبت بایام سابق پر تغییری نکرده و خیلی شبیه بادوار سابق است عامهٔ مردم نیز علی المعمول در مواقع تحویل سال اعضای خانوادهٔ خود را جمع کرده سبزیات و حلویات گوناگون بهلوی هم چیده و منتظر قدوم سال نو میشوند و چشم بهفت سین و هفت میم سینی دوخته و در تسبیح صد دانه بخواندن ۳۶۵ مرتبه حرز :

یا مقلب القلوب و الابصار و یا مدبر اللیل و النهار و یا محول الحول و الاحوال حوّل حالنا الی احسن الحال (الهی آمین) مشغول میکردند

شعرای هر عصری نیز در سر سال نو قصاید بهاریه و نوروزیه ساخته ونشر کرده ومیکنند دواوین و کلیات اکثر شعرای عرب و فرس مملو و ذکر آنها دراینجا موجب اطالهٔ کلام است از جملهٔ آنها قصیدهٔ معروف عرفی شیرازی است که بلندی روز وکوتاهی شب را در آن تصویر کرده وطرفهٔ تشبیهاتی در آن بخرج داده است واین چند بیت از آنجا است

شب شود نیم رخ وروز شود مستقبل　　چهره پرداز جهان رخت کشد چون بحمل

دیدهٔ روز بتدریج برآید احول　　چشم شب تنك شود دایره مردمکش

بیضهٔ دیدهٔ این روغن و دیبا بمثل　　مردم دیدهٔ آن ژاله وکرما بصفت

(۱) رساله شعر و موسیقی تالیف نگارنده

سبزی ، سبزه ، سیب ، سرکه ، سنجد ، سماق ، سیر ، میوه ، مرغ ، ماهی ، ماست ، میگو ، می مویز

هرچه شب ورد کند از مهده چو زنبور عسل روز چون کرم بریشم همه برخویش تند
بعد از این شب بنگین نقش کند عبد اقل بعد از این ترجمهٔ روز شود صاحب کل

بعضی از جشنهای نوروز در تواریخ ایران کسب شهرت کرده و اهمیت فوق العاده پیدا نموده و برخی از آنها مبدأ تاریخی نیز واقع شده‌اند از جملهٔ آنها است:

نوروز بهیزك

در عهد سلاطین پیشدادیان قرار براین جاری بوده است که هرماه‌را سی روز می گرفته‌اند که هرسال آنها ۳۶۰ روز میشد خمسهٔ مسترقه را که در هر شش سالی جمع گشته و بیك ماه بالغ میگشته است بشمارهٔ دوازده ماه سال ششم افزوده و آنسال را سیزده ماه میگرفته‌اند و کسور ارباعی‌را نیز که هرساله علاوه داشته‌اند و در سر هرصد و بیست سالی باندازهٔ یکماه جمع و فراهم میگردیده است آنرا هم بسر سال صدوبیست و یکم افزوده و انسال را نیز سیزده ماه بحساب میاوردند و آن یکماه‌را فوق العاده معزز و محترم داشته و آنرا مبارك(۱) و یا بهیزك(۲) نام می‌نهادند .

نوروز زردشت

در سیاحتنامهٔ منسوب به‌فیثاغورث مذکور است که مغهای اکباتان از جملهٔ انتقاد و ایراداتیکه به‌زردشت شهیر مینمودند اصلاحات و تغییراتی بوده است که در اساس و مراسم نوروز گذشتگان به‌عمل آورده بود وبنا بقولی مشارالیه کبیسه سه‌هزار سال قبل از خود را که کسور چهاریك سرسالها جمع گشته وماهها بعمل آمده بود بشکلی تصحیح واصلاح کرده که نه‌ماه کبیسه‌را مکررنموده و نه اسم علیحدهٔ بدان وضع نموده است. قاعدهٔ جدیدی که ازخود احداث و ترتیب داده آن بوده است که محض رفع اشتباه خمسهٔ مسترقه بتاوب سالها باواخر شهور ترتیبی افزوده میشود (۳)

---

(۱) الآثار الباقیه (۲) فرهنك شعوری (۳) تاریخ حیات زردشت تالیف نگارنده

نوروز معتضد

اول کسیکه بعد از فتح اسلام بجهت سهولت اخذ مالیات در سنه ۲۴۳ حکم باصلاح کبیسه نمود و هفتاد و هفت روز عقب افتادهٔ آنرا از جلوس یزدگرد حساب کرده و بجلو کشیده المتوکل علی‌الله است. چنانکه بحتری در مدح وی گفته:

ان یوم النوروز قد عاد للعهد الذی کان سنه اردشیر

انت حولته الی الحالة الاولی و قد کان حائرا مستدیر (۱)

بعد از خلیفهٔ مزبور المعتضد بالله نیز بمسئلهٔ مذکوره اهمیت‌داده و آن اقدامات را بموقع اجرا گذارده است و سال ۲۸۲ را که از انقراض سلطنت یزدگرد تا آنروز دو ماه عقب مانده بود جلو تر کشیده و نوروز آنسال را در یازدهم حزیران قرار داده است. چنانکه علی بن یحیی دراین خصوص گفته است. یوم نیروزك یوم واحد لایتاخر من‌حزیران یوافی ابداً فی احد عشر.

نوروز ومهرکان قرامطه

در قرن سیم هجری واضع آئین قرمطیها یکی از فرایض دین خود روزه گرفتن این دو عید را قرار داده و فقط آن دو روز را واجب شمرده است (۲)

نوروز عضدالدوله

عبارت از روز هفدهم فروردین ماه پارسی است و آن روزی است که قنات عضدالدوله که از چهار فرسخی شیراز میاوردند بهگوره فناخسرو که یکی ازمؤسسات اوست رسیده و آنروز را عید قرار داده اند وهرساله هفت روز بازار عمومی باز کرده وعید میکرفته‌اند

(۱) محاسن‌الوسایل‌الی‌معرفة‌الاوایل (۲) تاریخ طبری

نوروز کشاورزان

در یکی از دهات قدیم بخارا موسوم به درخشه هر پانزده روزی یکمرتبه بازاری باز میکردند و بازار آخر سال بیست روز طول میکشید وروز بیست ویکم را نوروز میکردند وبرزگران بخارا حساب خود را از آن روز اعتبار کرده وآنرا نوروز کشاورزان مینامیدند پنج روز بعداز آن نوروز مغان بوده است (۱)

نوروز خوارزمشاهی

عبارت ازروزی است که آفتاب بدرجهٔ نوزدهم حمل میرسد وآن شرف شمس است

نوروز جلالی

منسوب بسلطان جلال الدین ملکشاه سلجوقی است که درتاریخ ٤٧١ معمول و بر قرار شده ومبدء تاریخ جلالی گردیده است

دراوائل اسلام کتب زیادی راجع باعیاد ایرانیها وبالخصوص بجشن نوروز تالیف شده ولی افسوس که غالب آنها غیر موجوداست بجهت اطلاع ارباب تتبع اسامی بعضی ازآنها را در ذیل بنظر قارئین میرسانیم

١ رسالة لعبدالله بن المقفع ٢ کتاب الاعیاد والنواریز لعلی بن مهدی الکسروی ٣ رساله فی علة اعیاد الفرس لزادویه بن شاهویه ٤ کتاب محمدبن مطیاره ٥ کتاب حرشید بن دیار موبد اصفهان ٦ رسالة فی الاشعار السائره فی النیروز والمهرجان تالیف حمزهٔ اصفهانی ٧ کتاب الاعیاد والنورایز لصاحب بن عباد ٨ کتاب النیروز و المهرجان لابی الحسن علی بن هارون ٩ کتاب الاثار الباقیه عن القرون الخالیه لابی ریحان البیرونی ١٠ کتاب التفهیم له ایضا ١١ قانون مسعودی له ایضا ١٢ زین الاخبار لعبد الحی بن الضحاك پارسی

(۱) تاریخ بخارا

بعضی کتب دیگر نیز مانند المحاسن والاضداد جاحظ مجمل الاصول حکیم گوشیار صبح الاعشی تالیف قلقشندی نهایة الارب نویری تحفة العجایب ابن اثیر و کتاب السماء والعالم مجلسی وغیره شرح مبسوطی دراینباب نوشته اند صاحبان تتبع بدانجاها رجوع نمایند

محمد علی تربیت

ص ۲۱۲ – ۲۲۰، ۱۴۲
بحار الانوار



تبریز مطبعهٔ « امید »